

نمی دانم چرا به تیم ملی دعوت نشدم

27 دی 1400

محبوبه دهقانی در لیگ ترکیه دروازه‌بانی می‌کند اما در تیم ملی ایران جایی ندارد.

لیلی خرسند: درحالی‌که تیم ملی فوتبال زنان در هند است و روزهای آینده نخستین حضور در جام ملت‌های آسیا را تجربه می‌کند، بازیکنانی هستند که در لیگ‌های کشورهای دیگر بازی می‌کنند. با توجه به اینکه همیشه گفته می‌شود سطح فوتبال زنان و لیگ ایران حتی با سطح متوسط آسیا هم فاصله زیادی دارد، این سؤال پیش می‌آید که چرا بازیکنانی که در لیگ کشوری مثل ترکیه بازی می‌کنند، در تیم ایران جایی ندارند؟

یکی از این بازیکنان محبوبه دهقانی است که برای تیم Kireçburnu spor ترکیه دروازه‌بانی می‌کند. دهقانی سابقه بازی در فوتبال، فوتسال و هندبال ساحلی را دارد و به اردوی تیم ملی فوتبال هم دعوت شده بود. دهقانی که با بدشائسی مصدوم شده و فعلاً باید چند هفته‌ای استراحت کند، در گفت‌وگو با همشهری پیرامون شرایط این روزهای خودش، لیگ ترکیه و تیم ملی صحبت کرده است.

***بازی در لیگ ترکیه راضی‌کننده است؟**

فعلاً باید استراحت کنم. در آخرین بازی تیم، مصدوم شدم. ضرب دستم خوب است، اما این بار وقتی با دست پاس دادم، زانویم پیچ خورد. خیلی درد نداشتم ولی ترسیدم که کارم به جراحی بکشد، اما پروفیسوری که اینجاست MRI را دید و گفت کشیدگی جزئی است، دو، سه هفته باید فیزیوتراپی و دارودرمانی کنم. در کل اینجا وضعیتم خوب است. همه من را دوست دارند و احترام می‌گذارند. هر روز حال پسر را می‌پرسند و می‌گویند آتیلا کی می‌آید که او را ببینیم.

***پسرتان را با خودتان نبردید؟**

نمی‌شد کنارم باشد چون نمی‌توانستم روی بازی تمرکز کنم. ولی کلاً فکرم پیش پسر است. همسر در خارک کار می‌کند و پسر من تنها مانده است. ۲ ماه دیگر ۵ ساله می‌شود. در این سال‌ها خیلی از ما دور بوده و به زندگی بدون ما عادت کرده است. زنگ می‌زنم می‌گویم بیا پیش من، می‌گوید پیش آقا جان (پدربزرگش) بهتر است. پیش پدر و مادر من می‌ماند.

***خودت این تیم را پیدا کردی یا آنها شما را پیدا کردند؟**

از پارسال پیگیر بودم که لژیونر شوم. ماه‌های قبل با ایجنتی آشنا شدم و او فیلم‌های بازی من را برای باشگاه ترکیه‌ای فرستاد و آنها هم به من پیشنهاد دادند. مدیران باشگاه خیلی از بازی من خوششان آمد و همان هفته اول می‌خواستند قرارداد ببندند. رفتم ولی مشکل داشتم. برای نخستین بار بود که به کشور غریب می‌آمدم. در ایران خارج از شهر خودمان بازی کرده بودم، اما بازی در یک کشور دیگر حس دیگری دارد. انگار راه برگشتن نداری. هفته اول خیلی گریه کردم و تصمیم گرفتم که به ایران برگردم. به

پدرم زنگ زد و با گریه گفتم دلتنگم و نمی‌توانم بمانم. پدرم گفت اگر برگردی دیگر دختر من نیستی. گفت من مراقب بچه‌ات هستم، خیالت راحت باشد و بمان. طوری با من محکم حرف زد که دیگر جرأت نکردم به بازگشت فکر کنم. گفت زحماتی را که کشیدی، هدر نده.



* جایگاه خوبی در جدول دارید؟

نه، تیم ما بین تیم‌های انتهایی جدول است. ولی خودم و مدیران باشگاه از عملکردم راضی هستیم. پایم که آسیب دید همه دور هم جمع شدند و پیگیر وضعیتم بودند. باشگاه ما در محله ساری‌پر و نزدیک دریاست. از مرکز شهر دور است. خانه‌ای هم که برای ما اجاره کرده‌اند نزدیک باشگاه است. مدیرعامل باشگاه گفت مرکز شهر خانه اجاره می‌کنم تا راحت به درمان برسی. می‌خواهم بگویم که خیلی برای تیم اهمیت دارم. در همین بازی آخر ۳-۰ صفر جلو بودیم من که آسیب دیدم، ۵-۳ باختیم.

* تیم‌تان مشکل بازیکن دارد؟

تیم، بیشتر بازیکنان فصل پیش را از دست داده و قرار است در فصل نقل‌وانتقالات بازیکن بگیرد. به جز من ۲ بازیکن ایرانی دیگر هم دارد. فائزه، دختر آقای [فریدون اصفهانیان](#) قبل از من به این تیم آمده است. ترک‌زبان است و بلد است که چطور صحبت کند. مریم ایزدپناه هم در تیم ما بازی می‌کند. ما ۳ ایرانی در یک خانه می‌مانیم. مربی و مدیر باشگاه خیلی ما را قبول دارد و هر تصمیمی می‌خواهند بگیرند با ما هم مشورت می‌کنند. به همان اندازه هم توقعشان از ما زیاد است. انتظار دارند در هر شرایطی تیم را ما جمع کنیم.

* زندگی در ترکیه که سخت نیست؟

نه، باشگاه خیلی به ما می‌رسد. همه‌چیز با خودشان است. حتی آب را هم خودشان برایمان می‌خرند. باشگاه نزدیک خانه است ولی رفت‌وآمدمان با خودشان است. غذاهای اینجا را خیلی نمی‌شود خورد. خودشان بیشتر کوفته و نان می‌خورند. برنج‌هایشان هم خوب نیست. نتوانستیم غذاهایشان را بخوریم و چند وقتی است که مواد غذایی می‌دهند خودمان غذا درست می‌کنیم.

* با بازیکنان دیگری که در لیگ ترکیه بازی می‌کنند، ارتباط داری؟

۳ نفر دیگر هم در تیم‌های دیگر ترکیه بازی می‌کنند، ولی خیلی با آنها ارتباط ندارم. من بیشتر در حال خودم هستم؛ یا با خانواده ارتباط می‌گیرم یا کتاب می‌خوانم. بیشتر وقتم را روی یادگیری زبان گذاشته‌ام. روزی دو، سه کلمه ترکی هم یاد بگیرم خوب است. الان دیگر راحت می‌توانم از مترو استفاده کنم.

***درآمد بازی در ترکیه بهتر از ایران است؟**

اینجا سال اول نباید برای پول بازی کنی. من تنها ایرانی هستم که مبلغ قراردادم بالاست ولی باز هم دستمزد کمتری از بازیکنان لیگ ایران است.

***پس چرا حاضری آنجا بازی کنی؟**

به خاطر آینده. همه چیز پول نیست. می‌خواهم پیشرفت کنم. از ایران به ترکیه می‌آیم تا بتوانیم به تیم‌های بهتر برویم. اینجا امکانات خیلی بهتری دارند. سطح کیفی مربیان هم بالاست. مربی زن نداریم و همه مربیان مرد هستند. بیشتر این مربیان هم فوتبال بازی کرده‌اند و در تیم ملی بوده‌اند. مربی تیم ما که اسمش احمد است، بازیکن تیم ملی بوده است. کلیپ بازی‌هایش را دیده‌ام.

***پس باید منتظر پیشنهادهای جدید باشی.**

من ۲ پیشنهاد دارم، ولی اینجا به قدری به من احترام گذاشته‌اند که دلم نمی‌آید به تیم دیگری بروم. یک تیم عربی و یک تیم از کشورهای اروپایی گفته‌اند برای ما بازی کن. فعلاً تمرکز روی درمان پایم است. شاید یک سال دیگر ترکیه بمانم و بعد از بهتر شدن بازی‌ام به کشور دیگری بروم.

***چند روز دیگر بازی‌های تیم ملی در جام ملت‌ها برگزار می‌شود. بازیکنی که توانسته لژیونر شود چرا برای تیم ملی کشورش بازی نمی‌کند؟**

قبل از اینکه به ترکیه بیایم، در [اردوهای تیم ملی](#) بودم. به من گفتند به شرطی می‌توانی در تیم ملی بازی کنی که تیم باشگاهی داشته باشی. آن موقع تیم نداشتم اما گفتم که قرار است به یک تیم ترکیه‌ای بروم. بعد از آن دیگر دعوت نشدم و دلیلش را هم نمی‌دانم. امیدوارم تیم در جام ملت‌ها موفق بشود، اگرچه بازیکنان بهتری داریم که می‌توانستند در تیم باشند، ولی نیستند.